

صنعت برق نیز باید در خط مقدم بهره‌وری قرار داشته باشند.

مدیریت روشنایی ساختمان‌ها، سامانه‌های سرمایشی، تأسیسات، پمپ‌ها، فضاهای اداری و تجهیزات شبکه باید براساس یک الگوی مشخص و قابل سنجش انجام شود.

فرهنگ «مصرف به اندازه نیاز» باید از داخل سازمان‌ها آغاز شود. مدیری که از مشترک انتظار مدیریت مصرف دارد، باید بتواند در مجموعه تحت مدیریت خود نیز عدد، شاخص و نتیجه قابل اندازه‌گیری ارائه کند.

◀ برق، نفس دوم جامعه است

تعبیر «برق، نفس دوم جامعه است» شاید یکی از دقیق‌ترین تعابیری باشد که می‌توان در مورد برق به کار برد. برق دیگر فقط وسیله روشنایی نیست.

آبرسانی، پمپاژ آب، بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، ارتباطات، سوخت‌رسانی، صنایع، فروشگاه‌ها، حمل‌ونقل، خدمات شهری و حتی بسیاری از امور امنیتی و حیاتی کشور به برق وابسته‌اند.

بنابراین پایداری شبکه، بخشی از پایداری اجتماعی و اقتصادی کشور است.

در چنین شرایطی، هر مگاوات برق غیرضروری که از شبکه حذف می‌شود، ظرفیت بیشتری برای یک مصرف ضروری و مولد ایجاد می‌کند.

◀ ارزان‌ترین نیروگاه، نیروگاهی است که نیازی به ساختنش نداریم

این جمله می‌تواند به یک اصل مدیریتی در صنعت برق تبدیل شود. هر مگاوات صرفه‌جویی پایدار، معادل ظرفیتی است که شبکه برای تأمین آن نیاز به سرمایه‌گذاری جدید ندارد. البته این به معنای توقف توسعه نیروگاه‌ها نیست. کشور به ظرفیت تولید جدید، به‌ویژه انرژی‌های تجدیدپذیر، نیاز دارد. اما اگر هم‌زمان با توسعه تولید، مصرف غیرضروری و اتلاف انرژی نیز افزایش یابد، بخشی از سرمایه‌گذاری جدید صرف جبران مصرفی خواهد شد که می‌توانست از ابتدا مدیریت شود. بنابراین باید هم‌زمان دو مسیر را دنبال کرد: افزایش ظرفیت تولید + کاهش مصرف غیرمولد و افزایش بهره‌وری

◀ تجدیدپذیرها ضروری‌اند؛ اما جای مدیریت مصرف را نمی‌گیرند

توسعه انرژی خورشیدی و سایر تجدیدپذیرها یکی از راه‌های مهم کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی است. اما انرژی تجدیدپذیر نیز محدودیت‌های خود را دارد. خورشید در تمام ساعات شبانه‌روز در دسترس نیست و توسعه ظرفیت‌های جدید نیازمند زمان، سرمایه‌گذاری، زیرساخت و توسعه شبکه است. بنابراین نمی‌توان گفت هر میزان مصرفی که ایجاد شد، صرفاً با ساخت نیروگاه خورشیدی جبران خواهد شد. تجدیدپذیرها باید توسعه پیدا کنند؛ اما هم‌زمان باید مصرف نیز اصلاح شود.

◀ از مدیریت مصرف تابستانی تا «حکمرانی مصرف»

یکی از تغییرات مهمی که صنعت برق به آن نیاز دارد، عبور از نگاه فصلی به مدیریت مصرف است. مدیریت مصرف نباید فقط از ابتدای خرداد آغاز شود و با پایان شهریور به پایان برسد. اگر یک موتور کشاورزی فرسوده در زمستان هم کم‌بازده است، اگر یک ساختمان در تمام سال انرژی را هدر می‌دهد و اگر یک الگوی غلط مصرف در تمام طول سال ادامه دارد، چرا باید مدیریت آن را به تابستان محدود کنیم؟

◀ تاب‌آوری شبکه یک مأموریت چهارفصل است.

شبکه برق باید برای گرمای تابستان، سرمای زمستان، بحران سوخت، حوادث طبیعی، تهدیدهای امنیتی و رشد تقاضای آینده آماده باشد. از دل این نگاه، یک مأموریت روشن برای مدیران عامل شرکت‌های زیرمجموعه توانیر شکل می‌گیرد:

هر شرکت باید بداند بیشترین اتلاف انرژی در حوزه تحت مدیریت خود کجاست؟

کدام مشتریان مصرف غیرمولد دارند؟ کدام تجهیزات بیشترین راندمان پایین را دارند؟

چه میزان از بار را می‌توان بدون آسیب به تولید و رفاه عمومی مدیریت کرد؟

کدام مناطق ظرفیت توسعه خورشیدی دارند؟ و مهم‌تر از همه، هر اقدام مدیریتی چه میزان صرفه‌جویی واقعی برای شبکه ایجاد کرده است؟ مدیریت مصرف زمانی جدی می‌شود که از شعار به عدد تبدیل شود؛ یعنی هر شرکت برای کاهش مصرف، هدف مشخص، برنامه مشخص و نتیجه قابل سنجش داشته باشد.

◀ مردم؛ شریک صنعت برق، نه مخاطب صرفاً توصیه‌های مصرفی

تجربه کاهش مصرف در سال جاری نشان داد

که همراهی مردم می‌تواند بخشی از فشار شبکه را کاهش دهد. اما مشارکت مردم زمانی پایدار می‌شود که مردم احساس کنند این همکاری اثر واقعی دارد.

بنابراین فرهنگ‌سازی باید از توصیه‌های کلی مانند «کمتر مصرف کنید» عبور کند و به مردم نشان دهد چرا، کجا و چگونه مصرف خود را اصلاح کنند.

اگر یک خانواده بداند تنظیم کولر روی دمای مناسب چه اثری بر شبکه دارد، اگر کشاورز بداند تعویض یک موتور فرسوده چه اثری بر مصرف برق و آب دارد و اگر یک واحد صنعتی بداند اصلاح تجهیزات چه میزان هزینه انرژی را کاهش می‌دهد، مدیریت مصرف از یک دستور اداری به یک انتخاب اقتصادی تبدیل خواهد شد.

◀ پایان یک نگاه قدیمی

سال‌ها تصور کردیم برای پاسخ به افزایش تقاضا باید فقط بیشتر تولید کنیم. امروز باید این معادله را کامل‌تر ببینیم: بیشتر تولید کردن، بدون بهتر مصرف کردن، راه‌حل پایدار ناترازی نیست.

ایران برای عبور از بحران انرژی به نیروگاه، شبکه، سرمایه‌گذاری و تجدیدپذیر نیاز دارد؛ اما هم‌زمان به چیزی مهم‌تر نیز نیازمند است: انضباط در مصرف انرژی.

بدمصرفی انرژی دیگر یک مسئله ساده فرهنگی نیست؛ مسئله‌ای اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حتی امنیتی است. اگر برق را «نفس دوم جامعه» بدانیم، حفاظت از آن فقط با افزایش تولید ممکن نیست؛ باید از هدررفت این نفس نیز جلوگیری کنیم. و شاید مهم‌ترین پیام مدیریتی امروز صنعت برق همین باشد:

انرژی را فقط بیشتر تولید نکنیم؛ بهتر مصرف کنیم، عادلانه‌تر توزیع کنیم و هر واحد انرژی را در جایی به کار بگیریم که بیشترین ارزش را برای مردم و اقتصاد کشور ایجاد کند.

